

ضرورت بازنگری مجدد به مقوله کامپیوتر در کشور

گفت و گو با داریوش فرسای؛ مؤلف و مترجم پرکار کتاب‌های کامپیوتر

○ گفت و گو: محمدهادی معرفت

اشاره:

پیدایش کامپیوتر فصل جدیدی را در تمام زمینه‌های دانش و معرفت بشری گشوده و امکانات گسترده‌ای را در اختیار کاربران خود قرار داده است. بدون اغراق می‌توان کامپیوتر را کاراترین ابزاری دانست که بشر در مسیر تکامل اندیشه خود برای درک و تصرف بیشتر طبیعت، تهیه نموده است. با پیشرفت علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات می‌توان با استفاده از کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای به روز از این کاروان علم و تجربه عقب‌مانده به همین بهانه خدمت یکی از مؤلفان و مترجمان کتب کامپیوتر در ایران جناب آقای داریوش فرسای رسیدیم تا از تجربیات چندساله ایشان بهره‌مند گردیم.

زمینه سخت‌افزار و نرم‌افزار در فکر انجام خدمت تازه‌ای به مردم افتادم. این کار برای من هم مناسب بود چون در حین نوشتن و یا ترجمه این نوع کتب بر آموخته‌های من هم اضافه می‌گردید.

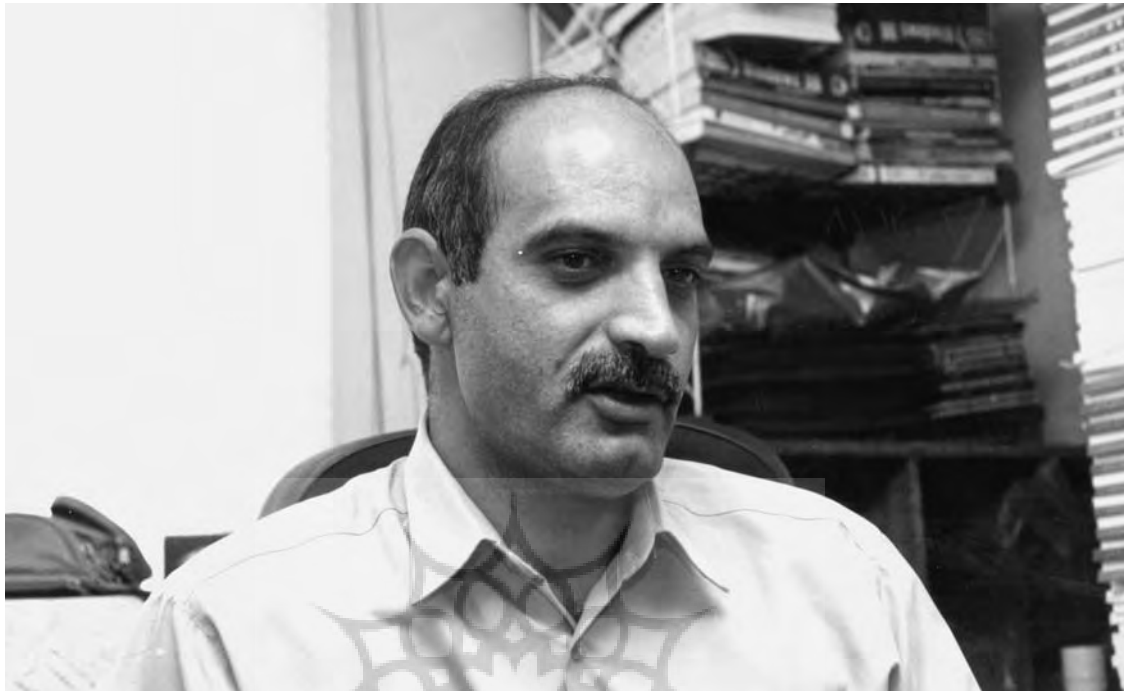
اگر ممکن است تعداد کتب تألیفی و ترجمه‌ای خود را بفرمایید؟ در حدود ۵۵ عنوان کتاب از من به چاپ رسیده است که نیمی از آن تألیف و بقیه به صورت ترجمه چاپ شده است. چه معیارها و ضوابطی را برای تألیف کتب کامپیوتر در نظر می‌گیرید؟

در سال‌های نخست، در تألیف و ترجمه بعضاً اشتباهاتی به وجود می‌آمد. معمولاً براساس علائق شخصی کار را دنبال می‌کردیم و سراغ بعضی کتاب‌ها می‌رفتیم. بعد از چاپ کتاب‌ها و مشاهده بازخوردهای آن در جامعه، معیارهای ما نسبت به گذشته تغییر کرد. درحال حاضر معیارهایی که برای کار داریم یکی خود موضوع است که باید مورد نیاز مردم باشد. دیگری در کار تألیف و ترجمه سعی ما بر این

با تشکر و سپاس از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، طبق روال مصاحبه‌های علمی، مقداری از خودتان، تحصیلات و فعالیتهای علمی‌تان بفرمایید؟

من داریوش فرسای هستم، متولد سال ۱۳۳۹. تحصیلات من در زمینه اقتصاد شاخه بازرگانی بوده و از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ در زمینه تألیف و ترجمه کتب کامپیوتر فعالیت خود را آغاز کردم و تا الان در حدود ۵۵ عنوان کتاب من به چاپ رسیده است.

باتوجه به این که رشته تحصیلی شما اقتصاد است، چه انگیزه‌ای باعث شد تا شما به تألیف و ترجمه کتب کامپیوتر بپردازید. من در زمان تحصیلات دانشگاهی علاقه‌مند به کامپیوتر و حوزه کتب کامپیوتر شدم، اما با توجه به محدودیتهایی که در آن زمان در زمینه چاپ و نشر کتب کامپیوتر موجود بود، در ذهن من این مسئله همواره وجود داشت. به مرور زمان و همزمان با گسترش این رشته در



می‌خورد، چون من علاوه بر کار تألیف و ترجمه، کار چاپ و توزیع کتب را خودم انجام می‌دهم. یعنی در تمام زمینه‌ها و مراحل چاپ کتاب از نوشتن کتاب تا توزیع نهایی و رسیدن آن دست خوانندگان درگیر هستیم. یکی از این مشکلات مسئله اطلاع‌رسانی است که فقر شدیدی در این زمینه به چشم می‌خورد. ما توانایی معرفی و ابلاغ این محصولات فرهنگی را نداریم. به عنوان مثال شما در نظر بگیرید که یک هنرمند یا خواننده‌ای که یک کاست را پر می‌کند، چقدر تبلیغات و معرفی فراگیر دارد. به صورتی که حتی صدا و سیما در عرضه معرفی این محصول قدم می‌گذارد و آن را پخش می‌کند. ولی در زمینه کتاب ما قادر به اطلاع‌رسانی در زمینه تولید محصولات خود نیستیم. چالش دوم مورد بحث، فضا است. متأسفانه در کار نشر و تولید فضای کافی برای توزیع محصول نویسنده وجود ندارد. کتابفروشی‌ها و توزیع‌کنندگان کتب که واسط بین تولیدکنندگان کتاب و مردم هستند دارای سیستم قدیمی هستند و این با تعداد کتب عرضه شده در مقایسه با ۵۰ سال پیش سازگار نمی‌باشد. به عنوان مثال نمایشگاه بین‌المللی کتاب را که طی ده روز به عرضه و توزیع کتاب می‌پردازد در نظر بگیرید. فضای آموزشی و تبلیغاتی گسترده‌ای که این نمایشگاه ایجاد می‌کند باعث استقبال میلیونی مردم می‌شود. البته یک سری نواقص در زمینه طبقه‌بندی کتاب‌ها در نمایشگاه به چشم می‌خورد اما یکی از فواید آن فضای عرضه بزرگ آن است که در چنین وسعتی و در این حجم بزرگ، کتاب عرضه می‌گردد. اما در زمینه کامپیوتر دچار چالش‌های درونی در زمینه تألیف و نشر کتب کامپیوتر هستیم. یکی از این مشکلات این است که هنوز ارزش کتب کامپیوتر در بین مردم و دست‌اندرکاران حوزه نشر پایین است. شاید علت آن این

است که بیشتر به صورت کاربردی کار بکنیم، کمتر به مسائل تئوری بپردازیم چون امروزه کامپیوتر به صورت یک علم کاربردی تبدیل گردیده است. اما بیشتر نیاز مردم و متقاضیانی که برای آن موضوع و یا عنوان موجود است، تعیین‌کننده مواردی است که ما به تألیف و یا ترجمه آن اقدام می‌کنیم.

آیا گرایش خاصی نسبت به تألیف کتب خودتان دارید؟

گرایش خاصی ندارم؛ بیشتر نیاز جامعه و بازار را در نظر می‌گیرم ولی باز در همه قسمت‌های مختلف کامپیوتر آن چیزهایی که کاربردی‌تر هستند و به بازار کار نزدیک‌تر هستند را بیشتر مدنظر قرار می‌دهم. گرافیک کامپیوتر به نظر من یکی از آن زمینه‌هایی است که تقریباً نیاز بین‌المللی دارد، هم از لحاظ کاربرد و هم از لحاظ بازار کار. چون کسانی که در زمینه گرافیک کامپیوتر بتوانند آموزش ببینند و کارایی داشته باشند، هیچ‌گونه حد و مرزی برای کارشان وجود ندارد. زمینه‌های مقدماتی مانند اپراتوری یا آشنایی‌های مقدماتی با کامپیوتر هم یکی از مقوله‌های کاری من می‌باشد.

آیا در زمینه موضوعاتی که به عنوان گرایش عمومی خود فرمودید تجربه شخصی خودتان را هم مدنظر می‌گیرید؟ (توأم با تجربیات شخصی خودتان در موضوع مورد نظر می‌باشد؟)

برای یک تألیف و یا ترجمه خوب و موفق یکی از بهترین معیارها تجربه شخص نویسنده است که آن هم مدنظر من می‌باشد. وضعیت چاپ و نشر کتاب‌های کامپیوتر را در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در کل، وضع انتشار کتاب در ایران مشکلات زیادی دارد. یک بخش آن کلیت نشر است. دو مشکل عمده در این زمینه به چشم



از این مقایسات بگیریم که دارای سازوکار یکسان بوده باشیم. من شنیده‌ام در زمینه کتاب‌های کامپیوتر در خارج از ایران قبل از این که کتابی چاپ و به جامعه عرضه گردد، اطلاع‌رسانی در مورد آن انجام گردیده است؛ حتی روز توزیع آن دقیقاً مشخص شده است. متأسفانه در ایران آن سازوکار موجود نیست به عنوان مثال بعد از اتمام چاپ کتاب از شهرستانهای مختلف در مورد وجود آن کتاب چاپ شده سؤال می‌شود (یعنی از طریق سیستم اطلاع‌رسانی دهان به دهان متوجه وجود این کتاب شده‌اند در صورتی که چاپ این کتاب به اتمام رسیده است). بنابراین قادر به مقایسه ایران و کشورهای دیگر در زمینه کتب کامپیوتر نیستیم.

نظر شما در مورد کتب تألیفی و یا ترجمه‌ای کامپیوتر در ایران چیست؟ باتوجه به این که بستر اصلی این کار در اختیار کشورهای توسعه یافته و صنعتی می‌باشد؟

سیر عمده عرضه کتاب‌های کامپیوتر در ایران ترجمه است یعنی تهیه منابع از خارج از ایران صورت می‌گیرد و پس از ترجمه عرضه می‌گردد. تا چند سال پیش ما هم همین روند را در نظر داشتیم. اما امروزه کارهای عمده‌ای که انجام می‌دهیم تألیفی است؛ باتوجه به نیازهای ایران آن مواردی را که می‌خواهیم، تألیف می‌کنیم. اما امروزه بیشتر موارد ترجمه‌ای در بازار کامپیوتر ایران غلبه دارد.

باتوجه به این که علم کامپیوتر یک علم به روز است، یعنی روز به روز نرم افزارهای تخصصی تر به وجود می‌آید و منابع اطلاعاتی و معرفی این نوع نرم افزارها در دست کشورهای تولیدکننده نرم افزار است، آیا بهتر نیست که از مقوله ترجمه بیشتر بهره ببریم؟

کار ما به این صورت است که بعد از تهیه نرم‌افزار و باتوجه به سوابق نسخه‌های قبلی موجود نرم‌افزار امکانات جدید نسخه را استخراج و با کار بر روی آن، شروع به تألیف و نوشتن در مورد آن نرم‌افزار می‌کنیم. باتوجه به این که منابع اصلی در دسترس است به نظر من ترجمه ایرادی ندارد. ولی برگردان متون خارجی به زبان فارسی طبعاً مشکلات خاص خودش را دارد.

چون کامپیوتر علم به روزی است، طبعاً ما شاهد ایجاد اصطلاحات جدید در این زمینه هر روز می‌باشیم. شما در برگردان و معرفی این اصطلاحات به خوانندگان از چه سبک و سیاقی استفاده می‌کنید؟

من شخصاً برای برگردان واژه‌ها با توجه به کاربرد آن در نرم‌افزار و نوع کاربری آن اقدام می‌کنم. برای این که یک مثال روشنی بزنم در اکثر برنامه‌های کامپیوتری لغت و اصطلاحی به نام "wizard" به چشم می‌خورد که اکثر مترجمان کتاب در ایران آن را به نام «جادوگر» ترجمه کرده‌اند ولی در اصل یک عملکرد تخصصی ویژه‌ای در آن نرم‌افزار را به دنبال دارد. به خاطر همین من معادل "wizard" را «برنامه تخصصی» گذاشتم.

یکی از عناصر مهم در تألیف کتب کامپیوتر عنصر تصویر است. کاربرد تصویر در کتاب‌های تألیفی شما تا چه حد می‌باشد؟

در کتاب‌های کامپیوتر به غیر از یک سری از کتاب‌های خاص برنامه‌نویسی که به معرفی "code"ها می‌پردازد بقیه کتاب‌ها دارای

باشد که هنوز برای مردم، حوزه کامپیوتر تعریف شده نیست و فقط مخاطبان خاص و انگشت شماری دارد. به طور مثال شما در نظر بگیرید که یک زمانی ماشین بخار تولید شد ولی تبعات آن باعث ایجاد یک تمدن بشری گردید. این مثال را می‌توان در مورد کامپیوتر نیز تعمیم داد. کامپیوتر ماشین ساده‌ای است با کاربردهای فراوان که روز به روز در بین جامعه ریشه می‌دواند. ولی ما متأسفانه نتوانستیم نقشی در تولد این پدیده داشته باشیم. نرم‌افزارهایی که به بازار عرضه می‌گردد، روز به روز کار با کامپیوتر را تخصصی‌تر می‌کند. پس بیاید عجله کنیم تا از این کاروان عقب نمانیم. بنابراین به نظر من مسئولین باید یک بازنگری جدید و کاملی نسبت به مقوله کامپیوتر در جامعه داشته باشند و یک سرمایه‌گذاری جدید را آغاز نمایند چون این مقوله در حال حاضر قوای محرکه تمدن و کشور ما گردیده است نه کتب ادبیات و رمان‌ها. یکی از چیزهایی که به شدت مورد نیاز ما می‌باشد فن‌آوری است و این هم به راحتی در اختیار ما قرار دارد. متأسفانه در اجرای سیاستگذاری‌ها به مقوله کامپیوتر کم توجهی می‌کنند که امیدوارم در این زمینه یک بازنگری اساسی شود. مشکل دوم ما در حوزه کامپیوتر، علم و یا دانش بخشنامه‌ای می‌باشد. متأسفانه در بخش کتب کامپیوتر، رقابت آزاد و علمی وجود ندارد. بارها شده که کتابی تألیف و چاپ شده که از نظر محتوایی به اعتقاد ما خوب بوده است و نیازهای مراکز آموزشی را تأمین می‌کند (باتوجه به نظرات خود آموزشگاهها) ولی براساس بخشنامه‌ای که به مراکز شده است کتاب‌های دیگری را توصیه کرده‌اند. محدود کردن علم و فرهنگ باعث جلوگیری از پیشرفت آن می‌شود؛ ولی اجازه ادامه حیات ما به دست مردم است که خوشبختانه تا به امروز این اجازه را به ما داده‌اند اگر استانداردهای رقابت‌های علمی را مراعات کنند موانع کار در بخش کتب کامپیوتر برداشته خواهد شد.

جایگاه ایران را نسبت به کشورهای دنیا در این مقوله بفرمایید؟
زمانی ما می‌توانیم مقایسه‌ای را انجام دهیم و نتایج صحیحی را

مشکل خواهیم داشت.

یکی از بحث‌های مورد توجه در نرم افزار **Dream wearer** که سبب تمایز این نرم افزار با نمونه‌های مشابه آن شده است استفاده و معرفی **Behaviour** های موجود در این نرم افزار است. شما در کتاب مورد بحث، ۲ مورد از این مباحث را نگنجانیده‌اید؟ احساس نیاز به درج یا عدم درج این گونه مطالب و یا مسائل مشابه از کجا نشأت می‌گیرد؟

چون این کتاب برای اولین بار در ایران چاپ می‌شود، اگر ما می‌خواستیم یک کتاب کامل و مفصل تألیف و چاپ کنیم، قطعاً با شکست بزرگی روبرو بودیم. چون مخاطبان ما بیشتر مردم عادی بودند که مثلاً فقط **front page** را می‌شناختند و این کتاب جنبه آشنایی و معرفی را داشت البته ما در نظر داریم که کتابی تکمیلی در این مورد به چاپ برسانیم که در آینده نزدیک به بازار عرضه می‌شود. **لطف کنید نظرتان را در مورد رابطه صفحه‌آرایی کتب کامپیوتری و خوانندگان کتاب‌ها بفرمایید؟**

امروزه صفحه‌آرایی کتب کامپیوتر به صورت یک تخصص درآمدی است. البته کار صفحه‌آرایی ما کامل و دقیق نیست ولی به مرور زمان امیدواریم اصلاح شود. اما در کتاب‌های کامپیوتر روان و سلیس بودن مطالب یکی از اصول مهم است که با اضافه کردن تصاویر، این موضوع بیشتر تحقق می‌یابد. شخصی که یک کتاب کامپیوتر را خریداری می‌کند قطعاً می‌خواهد از آن جهت آشنا شدن با نرم‌افزار مطرح شده در آن کتاب استفاده کند. پس ما باید توانایی از بین بردن ترس آن خواننده از محیط این نرم‌افزار را داشته باشیم. نقش تصویر هم مانند تابلوهای راهنما می‌ماند. نقش جلد روی کتاب مهم‌تر از داخل کتاب است چون در ایران ضعف اطلاع‌رسانی داریم، با استفاده از نحوه طراحی روی جلد کتاب شاید بتوانیم این نقیصه را تا حدودی جبران کنیم ولی در کشورهای دیگر این طور نیست کارهایی که در زمینه طراحی روی جلد در ایران انجام می‌شود بسیار بهتر و چشمگیرتر از کشورهای دیگر است.

به عنوان آخرین سؤال چه آینده‌ای را برای صنعت تألیف و نشر کتب کامپیوتری می‌بینید. باتوجه به این که روزه‌به‌روز بر تعداد مؤلفان جدید اضافه می‌شود؟

در مورد کیفیت کار مؤلفان، شاهد پیشرفت هستیم. با عنایت به آن مسئله که بیشتر بازار علمی کامپیوتر ایران براساس بخشنامه‌ها است، این عامل یک مقدار فضای کار را از کسانی که تازه شروع به این کار می‌کنند، می‌گیرد. کسی که می‌خواهد برای اولین بار کتابی را تألیف و یا ترجمه کند هرچند که کار او با کیفیت بالایی انجام گرفته باشد، قطعاً در عرضه کتاب، مواجه با مشکلات بی‌شماری خواهد گردید. اگر فضای رقابت‌های آزاد بازر شود زمینه کار برای افراد جدید مناسب‌تر خواهد بود. ضمن این که ما در این کار به نیروی جوان هم زیاد نیاز داریم. چون آنها با بررسی اشتباهات و خطاهای ما و ایده‌های جدید و نو وارد این کار شده‌اند و از طرفی نرم افزارها به شدت در حال پیچیده شدن است. اگر فضای کار برای افراد جوان بازر شود زمینه‌های بسیار مساعدی را در این مقوله پرورش خواهیم داد.

محیط‌های کاربری خاص خودشان می‌باشد، یعنی دارای منوها و پنجره‌های مختلف هستند و بر این اساس کاربرد تصویر به شدت زیاد است. در کتاب‌های تألیفی خودم این عنصر در صورت نیاز به وفور یافت می‌شود تا کاربر در هنگام مطالعه نهایت استفاده عملی از این بحث را برده باشد.

امسال چه تعداد کتاب از کتاب‌های تألیفی و یا ترجمه‌ای شما به چاپ رسیده است و درصد رشد آن نسبت به سال‌های گذشته چگونه است؟

تا الان حدود ۱۰ تا ۱۱ عنوان کتاب از من به چاپ رسیده است و درصد رشد آن نسبت به سال گذشته حدوداً ۳۰ درصد است.

شما چه پیشنهادهای در جهت بهبود کیفیت کتب تألیفی و یا ترجمه‌ای کامپیوتر دارید؟

اگر رقابت آزاد در بازار علمی ایران به مرور زمان بیشتر بشود، به تدریج کارهایی که کیفیت بهتری دارند، در بازار خود به خود نمود پیدا می‌کنند. یعنی اگر کار من نسبت به همکار من کیفیت خوبی نداشته باشد، قطعاً با استقبال خوبی از سوی مردم روبه‌رو نخواهد شد.

اما اگر رقابت آزاد وجود نداشته باشد، شما با استفاده از هرگونه ترفندی نمی‌توانید نمود علمی و اقتصادی کار خود را مشاهده کنید. به عنوان مثال اگر شما به چندین نفر راهکارها و روش‌های ترجمه را آموزش دادید ولی بعدها این روش‌ها و راهکارها را به کار نبرستند شما قادر به تشخیص حاصل و نتیجه آموزش‌های خود نخواهید بود. تنها راهکار، برداشتن موانع موجود بر سر راه رقابت‌های آزاد لاقلاً در زمینه کتب کامپیوتری می‌باشد.

چند درصد از کتاب‌هایی که ترجمه و یا تألیف می‌کنید، تجربه علمی آن را نیز کسب کردید؟

از حدود یک سال و نیم پیش که کارهای تألیف را به صورت جدی آغاز کرده‌ایم تمام کارها توأم با تجربه علمی بوده است.

در ابتدای امسال کتابی از شما به نام «آموزش Dream wearer» چاپ گردید، چون این کتاب اولین کتاب چاپ شده در زمینه این نرم‌افزار بود، می‌خواستیم انگیزه شما را در تألیف این کتاب بدانم. آیا احساس خلأ در زمینه این نوع کتاب‌ها باعث تألیف این کتاب شد و یا انگیزه‌های تجاری و مادی نیز داشتید؟

البته از لحاظ مادی انجام این نوع کارها بزرگترین اشتباه است. بهترین کار در بازار نشر ما در حال حاضر پس روی است. اگر پیشرو در این بازار نشر باشید ضرر می‌کنید. ما از همان ابتدای کار سعی بر معرفی نرم‌افزارهای ناشناخته در جامعه خودمان داشتیم. هنگامی که کارایی یک نرم‌افزار را در مقایسه با نرم‌افزارهای مشابه دیگر در ایران مشاهده می‌کنیم، باتوجه به ضررها و ریسک‌های موجود در زمینه چاپ این کتاب اقدام به عرضه این کتاب به بازار می‌کنیم. چرا که این خلأ موجود را احساس کرده‌ایم. البته از کتاب مورد بحث شما مردم استقبال خوبی کرده‌اند ولی از کتاب **Mathcad** که اولین کتاب در این زمینه بود استقبال خوبی به عمل نیامد. اگر امروز با نرم‌افزاری مثلاً **Dream wearer** آشنا نباشیم فردا با بنایی که به وسیله این نرم‌افزار گذارده شده است و نرم‌افزارهای بعدی را به وجود آورده است،